



۸ خرداد ۱۳۸۵

شماره ۳۳

سردبیر: بابک شدیدی

پیام تشکر ولی الله فیض
مهدوی از مدافعان آزادی

صفحه ۴

اعدام نشانی از جنایت
قانونی است
مردو آناهید

صفحه ۴

سمینار در باره خشونت ناموسی
همراه با نمایش فیلم مستند
خشونت ناموسی چیست؟

صفحه ۶

گفتگو با مینا احدی
آخرین خبرهای مربوط
به نازنین

صفحه ۶

گفتگوی دو نازنین



صفحه ۵

یک توضیح:
مدتی قبل نازنین افشین جم از کانادا
سوالاتی را برای من فرستاد که با
نازنین محکوم به اعدام در ایران
(مهرداد فاتحی) در میان بگذارم و
جوابهایش را جویا شوم. من این
سوالات را به نازنین ۱۸ ساله
رساندم و این جوابهای نازنین

اعظم فریاد قره شیران در آستانه اعدام

حالی که آرزو و امیال فراوانی
داشت، در سن ۱۵ سالگی مجبور به
یک ازدواج اجباری میشود.
کلمه ازدواج اجباری و یا ازدواج
در سنین پانین، برای برخی شاید
کلماتی نا آشنا باشد، برای او تن دادن

صفحه ۲

اعظم نام یک زن که زندگیش، آئینه
تمام نمای ستم و بی حقوقی زنان
در ایران است. وقتی پای صحبتش
بنشینید، جز غم و درد و جز نفرت
و انزجار چیزی در وجودتان موج
نمیزند.
او که دختر کوچکی بیش نبود، در

نامه نازنین افشین جم دختر شایسته کانادا و مینا

صفحه ۸

کمیته بین المللی علیه اعدام

فاطمه حقیقت پژوه از اعدام فاصله گرفت.

حکومت اسلامی عقب می نشیند.

این پیروزی فقط بدلیل اعتراضات گسترده بین المللی امکان

صفحه ۲



به ماردوشان زمان بگو: نه!

به مناسبت اعدام کودکان و نوجوانی چون نعمت

مسئول سایت ایران آزاد، جواد ولدان

صفحه ۳

زمانی که برای نخستین بار یک کتاب
مفید می خواندم، یازده سالم بود.
برادرم که پس از اتمام تحصیلاتش
تازه از آلمان برگشته بود، کتاب صمد
را به من هدیه کرد، کتاب قصه های

اعدام عملی شنیع و ضد انسانی است!

اعظم فریاد قره شیران..
به تجاوز و پر پر شدن زندگیش است.
در طول مدت کوتاهی سه فرزند حاصل این ازدواج اجباری است و مریم نیز به صف زنانی می پیوندد که با تحمل مرارت و با تن دادن به تحقیر و توهین و تجاوز روزمره از سوی شوهر، بهر حال برای ادامه زندگی و سر و سامان دادن به زندگی فرزندان خود فداکاری میکند.
اما از مریم بیش از اینها درخواست میشود. عبدالله شوهر معتاد او که برای خرج اعتیاد و تامین خرج زندگیشان، راه دیگری

نمی یافته است، از مریم می خواهد و یا او را مجبور میکند که به تن فروشی روی آورد. مریم افسرده و درمانده و تحت ستم، مجبور میشود، در بساط عیش و نوشی که همسرش در خانه راه می اندازد، به مشتریها از هر نظر خدمت کند.
خدمات جنسی به همراه پذیرایی از مهمانان همسرش. همه اینها را باز مریم تحمل میکند، تا اینکه نوبت دختر کوچک او میرسد. دختر ۹ ساله این خانواده، وقتی از سوی پدر مورد خشونت قرار گرفته و از او تحت فشار خواسته میشود، به تن فروشی رو

آورد، دیگر برای مریم پایان خط است. او به یک مرد که بقول خودش در این مدت به او محبت زیادی کرده، کمک میکند، همسرش را به قتل برساند. این داستان زندگی یک زن است. و بعد از برملا شدن قتل همسرش، اعظم در زندان است و بجرم همکاری در قتل عبدالله دستگیر و به اعدام محکوم شده است.
عباس مردی که در این جریان، عبدالله را به قتل رسانده، با دادن پول به خانواده مقتول از اعدام نجات یافته و اکنون اعظم فریاد قره شیران، بدلیل

نداشتن پول و بدلیل اینکه خانواده ای ندارد که از او دفاع کنند، در آستانه اعدام است.
فرزندان او در ایران، با فقر و ناداری و بی تامینی دست به گریبان هستند.
وکلاهی این پرونده، خواهان لغو حکم اعدام اعظم شده اند، ولی دادگاه عالی حکومت، حکم را تأیید کرده و برای اجرای احکام ارسال نموده است.
یعنی اینکه بزودی ممکن است پرونده زندگی این زن بسته شود. پرونده زندگی فردی که سرگذشت او تا همین امروز سند محکومیت نظامی است که انسان در آن

ارزشی ندارد و زنان در آن انسانهای درجه دومی و درجه چندی هستند که جسم و جان و روح و روان آنها، روزانه زیر بار قوانین و سنتها و اخلاقیات و بویژه یک حکومت ضد زن و ضد انسان له میشود.
فریاد اعظم و فرزندانش را باید شنید و باید متحدانه به یاری این خانواده شتافت.
از همگان دعوت میکنیم برای نجات جان اعظم هر آنچه در توان دارند، بکار گیرند.
کمیته بین المللی علیه اعدام

مجازات اعدام اسم دولتی کلمه کشتن است. افراد یکدیگر را به قتل میرسانند، اما دولتها افراد را به "اعدام" محکوم میکنند. خواست لغو اعدام و ممنوعیت قتل نفس هردو از یکجا مایه میگیرد، مخالفت با کشتن عامدانه و آگاهانه و با نقشه قبلی کسی توسط کس دیگر. اینکه یکسوی این قتل یک دولت و یا یک مرجع فائقه سیاسی است کوچکترین تغییری در این واقعیت نمیدهد که ما با یک قتل عمد طرفیم. مجازات اعدام وقیحانه ترین و کثیف ترین شکل قتل عمد است. چون یک نهاد سیاسی، جلوی روی مردم، با اعلام قبلی، از قول جامعه، در نهایت حق بجانبی، در نهایت خونسردی، تصمیم به کشتن کسی میگیرد و روز و ساعت واقعه را هم اعلام میکند.



منصور حکمت

متعدد در ایران و در دنیا، امروز به نتیجه رسید. این اقدامات به نتیجه رسید و امروز اعلام شد که پرونده برای بررسی مجدد ارسال میشود. فاطمه حقیقت پژوه از اعدام فاصله گرفت. اکنون باید کاری کرد تا حکم اعدام فاطمه فوراً لغو شود و او از زندان آزاد شود. کمیته بین المللی علیه اعدام، برای آزادی فاطمه از زندان تلاش خواهد کرد و از همگان دعوت میکند، ما را در این کار مهم کمک کنند.

کمیته بین المللی علیه اعدام

برای کمیته بین المللی علیه اعدام از ایران چندین نامه ارسال شد و از ما درخواست شده بود که برای نجات فوری او اقدامات ویژه و فوری در دستور بگذاریم. کمیته علیه اعدام فوراً دست بکار شد و کمپین نجات جان فاطمه را اعلام کرد. ما در این کمپین با انجام مصاحبه با دختر فاطمه و سازمان دادن میتینگ و ملاقات و کشاندن خبر این حکم به سطح رسانه های متعدد، با ملاقات با نهادهای جهانی و عفو بین الملل، توانستیم اقدامات گسترده ای را انجام دهیم. اعتراضات سازمانهای مدافع حقوق بشر، اعتراض نهادهای

از صفحه ۱

به همه فعالین کمپین دفاع از فاطمه حقیقت پژوه به رسانه هایی که اخبار فعالیتهای این کمپین را گسترش دادند، و به فرزندان فاطمه این پیروزی را تبریک میگوییم.
طبق اخباری که امروز به دست ما رسیده است، حکم اعدام فاطمه حقیقت پژوه که برای چندمین بار تأیید شده و برای اجرای احکام ارسال شده بود، باز پس گرفته شد و حکومت اسلامی اعلام کرد که پرونده برای بررسی مجدد روانه دادگاه میشود.
فاطمه در چند قدمی مرگ بود و به وی ابلاغ شده بود که باید خود را برای اجرای حکم آماده کند.

سر دبیر نشریه علیه اعدام

بابک شدیدی

تلفن: 0046733684151

ای میل:

babakshadidi@yahoo.com

دبیر کمیته بین المللی علیه اعدام

مینا احدی

تلفن: ۰۰۴۹۱۷۷۵۶۹۲۴۱۳

ای میل:

minaahadi@aol.com

به ماردوشان زمان بگو: نه!...

بهرنگ را. زمانی که براندرم به جرم کتاب دادن به دانشجویانش بوسیله ساواک شاه دستگیر و به مدت نوزده ماه زندانی شد، من شانزده ساله بودم. و زمانی که در کلاس ادبیات فارسی از دبیر بسیار معروف ادبیات دبیرستان های شیراز، آقای ستوده، که همکار ساواک و نیز پسر حجت الاسلام شیخ الاسلام ستوده امام جمعه برگزیده شاه در شیراز بود، به پرسشی ممنوعه مبادرت نمودم هفده ساله بودم. این پرسش چنین بود: «در حکومت مشروطه سلطنتی چه دادگاهی صلاحیت محکومیت شاه را برعهده دارد.» ساعت درس به فارسی و ادبیات فارسی تعلق داشت. در این ساعت درسی جدیدی می آموختیم. درسی در ارتباط با دادگاه ها و صلاحیت قوه قضائیه در نظام مشروطه سلطنتی.

و زمانی که دیپلم دبیرستان را گرفتم، مصادف با سال تحصیلی 1356 و 1357 بود. در این زمان بود که ناآرامی های خیابانی و مقاومت مردمی کم کم سر باز می کرد. آری چند ماهی بعد، یعنی زمانی که مجسمه شاه شیراز را از فلک سدا به زیر کشاندیم و بلادرنگ پس از آن به ساختمان ساواک شیراز در خیابان زند حمله کردیم، در آن زمان که من و هم سن های من، ما نسل انقلاب یا به روایتی نسل سوخته، جاسوسان و جلادان ساواک را به مسئولین روحانی شهر در مسجد خیابان داریوش تحویل دادیم، بیش از هجده سال نداشتیم. زمانی که به سان نود و نه درصد دیگر مردم ایران به جمهوری اسلامی «آری» گفتیم، تنها چند ماهی از سالروز هجده سالگی ام می گذشت. در این زمان پذیرش دانشگاه آخن آلمان را در دست داشتیم. ده روز مانده بود تا پاسپورت دانشجویی خویش را از وزارت علوم تهران تحویل بگیرم. اما در این زمان در دانشگاه تهران نیز پذیرفته شده بودم. به خیال خویش شاه را در به در کرده

بودیم. به خیال خویش حکومتی مردمی بر سر کار آورده بودیم. به خیال خویش می بایست بمانم و به کشور خدمت کنم. به پذیرش دانشگاه آلمان، به پاسپورت دانشجویی، به تحصیلات در یک کشور مدرن اروپائی پشت پا زدم. به خیال خام خویش می خواستم در یک حکومت مردمی، در حکومت خودمان خدمت کنم.

اینک بیست و هفت سال از آن تاریخ می گذرد. اکنون در این «حکومت مردمی»، در این «حکومت انقلابی»، در این «حکومت عدل اسلامی» هفده سالگان، هجده سالگان، کودکان و نوجوانان این مرز و بوم را به دار می کشند، زنان را سنگسار می کنند، چشم در می آورند، دست و پا می برند. حکومتی که هفده سالگان و هجده سالگان بیست و هفت سال پیش، حکومتی که «من» هفده هجده ساله آنزمان بر سر کار آوردم، اینک خون می خورد. بدین لحاظ است که خود را مسئول می دانم. اگر چه همگامی من با این «حکومت مردمی» تنها یک و ماه نیم بیش بطول نیاچامید و بعنوان دانشجوی منافق و کافر توسط دانشجویان انجمن اسلامی وقت و انقلاب به اصطلاح فرهنگی پاکسازی شدم، اما خود را مسئول می دانم. چرا که من هم به این لاشخوران اسلامی «آری» گفتم.

آری اکنون که این بانیان دین، این حاکمان اسلام، این ابن ملجمان زمان، این ضحاکان روزگار، این مایه ننگ من و تو حکم اعدام نعمت هفده ساله را صادر می کنند، من خود را مسئول می دانم. من، من و تو، ما مسئولیم. زیرا که ما به شرم تاریخ «بلی» گفتیم. نعمت چه کرده است؟ کودکان و نوجوانان ما چه کرده اند که مستوجب مرگ و سایه شوم شما شده اند؟ هفده سالگان اروپائی و آلمانی را می نگریم که با چه اشتیاق و لذتی منتظر رسیدن سن قانونی خویش و گرفتن گواهینامه رانندگی هستند. شور و نشاط این کودکان و نوجوانان اروپائی را نظاره می کنم

که به دیسکو می روند، برای آینده و آتیئه خویش نقشه می کشند. به گمان شما چند نفر، چند درصد از این کودکان و جوانان اروپائی همانند نعمت و کبری و ولی اله به روز شماری پایان زندگی خویش در زندان کرکسان خونخوار نشسته اند؟ فرزند و کودک اروپائی به دار کشیده نمی شود. می دانید چرا؟ زیرا که آنها این ذلت و کثافت مذهب و دخالت مذهب در سیاست و دولت را چند صد سال است که پشت سر دارند. زیرا صدها سال است، که آنها به تفتیش عقاید سوداگران مرگ و بهشت «نه» گفته اند. زیرا که آنها نفت ندارند. زیرا که آنها به جهان سوم تعلق ندارند. نعمت و کبری و ولی اله می بایست اعدام شوند تا گوهری از این سرزمین باقی نماند. اینان می بایست به دار آویخته شوند تا مگر زبانی از حلقوم آنان بر علیه استبداد و امپریالیسم بر نیاید.

بسیاری از ما، ما بی وطنان، ما در به دران ایرانی را می گویم بدین غصه گرفتاریم که بیگانگان با همکاری خانین مستبد داخلی به تاراج نفت و مواد معدنی کشور مشغولند. ما زانوی غم به آغوش گرفته ایم، که وا مصیبتا نفت ما را بردند. بی خبر از آنکه با ارزش تر از نفت و طلا و اورانیوم و مس ما را از میان می برند و ما بی خبریم. کودکان و نوجوانان ما را سر به نیست می کنند. این با ارزش تر از الماس ها و مرواریدها را به دار می کشند. این خزائن ملی را درو می کنند و ما خاموش نشسته ایم. آری با کودکان و نوجوانان تحصیل کرده می توان به همه جا رسید. و درست بدین لحاظ است که خاموشی این شعله ها، سکوت این سرمایه های گران برای نوکران مستبد و آقایان امپریالیستان واجب تر از غارت نفت می نماید. این لاله ها باید به دار کشیده شوند تا دیگر در این سرزمین گل نروید، تا دیگران از ترس دهان باز نکنند و خانان داخلی و هم پالکی های خارجیشان به غارت ادامه دهند.

بیا تا من و تو، من و تویی که به نادانی و بچگی و خامی به این کرکسان خون آشام یکبار «بلی» گفتیم، حداقل در ادای مسئولیت خویش بکوشیم و چهره این مزوران مهر به پیشانی را در همه جهان به لجن بکشیم. بیا تا با مخالفت های خود با اعدام کودکان و نوجوانان و زنان میهنمان تلاش کنیم تا این ننگ را از سرزمینمان بشوئیم. امروز سکوت خیانت است. هر کس در حد و توان خویش موظف است تا از تلاش خفاشان شب در به سیاهی کشیدن کشورمان، در اعدام و نابودی جوانانمان جلوگیری کند. برخیز تا من و تو ما شویم. اما قبل از آن بدان که چرا می خواهیم «ما» شویم. بدان که به چه می خواهیم برسیم. بدان که چه می خواهی. به اعدام کودکان و نوجوانان و زنان در ایران بگوئیم «نه» و این «نه» را چنان نعره بزنی که گوش سودگران مرگ و نیستی را در ایران کر کند. بگوئید «نه» و آنچنان بگوئید که از شدت امواج مهیب آن این سیه رویان تاریخ برای پنهان شدن و گریز خویش به دنبال سوراخ بگردند.

**به کمیته
بین المللی
علیه
اعدام
پیوندید**

www.adpi.net

مجازات اعدام شنیع ترین شکل قتل عمد است

به نام آزادی

پیام تشکر ولی الله فیض مهدوی

با تقدیم درود به تمامی دوستان مبارز و هموطنان عزیز که صدای من را میشوند .

من ولی الله فیض مهدوی قصد دارم با این پیام از تمام نهادهای حقوق بشری و همگی دوستان مبارز و فعالان حقوق بشری که چه در

داخل و چه در خارج از کشور از هیچ کوششی فروگذار نکردند تا بتوانند از اجرای حکم اعدام من ممانعت بعمل بیاورند ، کمال تشکر و قدردانی را داشته باشم .

البته تا کنون هیچ تغییری در حکم اعدام صورت نپذیرفته و یا اگر تحولی در حکم من صورت گرفته من از آن بی اطلاع هستم چرا که بطور رسمی چیزی به من ابلاغ نشده . اما موعدی که برای اجرای

حکم اعدام من مقرر شده بود گذشت .

و علیرغم خواسته های رژیم هیچ اتفاقی برایم نیفتاد و این فقط بخاطر تلاشها و زحمتهایی بود که دوستان مبارزم و فعالان حقوق بشری ، سازمانهای بین المللی و نهادهای حقوق بشری متحمل شدند ، این موضوع خیلی من را تحت تاثیر قرار داد . در پایان درود میفرستم به همه دوستان مبارزم در ایران و سراسر

دنیا و همه هموطنان عزیزم و خسته نباشد میگویم و از آنها میخواهم که زندانیان سیاسی را هرگز تنها نگذارند چرا که چشم امید ما در آنطرف دیوارهای بلند زندان فقط به آن عزیزان است .

ولی الله فیض مهدوی

28/02/85

فعالان حقوق بشر در ایران

اعدام نشانی از جنایت قانونی است

گاهی واژه ها توانایی ندارند که زشتی کرداری را بازگو کنند. کسی که به آزار دادن کودکی دست درازی کند خوی انسانی خود را فراموش کرده است. زشتی کردار کسانی که جان انسانی را بگیرند در خور تصور نیست. چنین تبهکارانی شایسته گی انسان بودن خود را از دست می دهند به ویژه که کردار ننگین آنها جان کودکانی را به باد داده است. سخن از گرفتن جان شکوفه های گلشن انسانیت است که به دست کسانی بی فرهنگ و از انسانیت به دور پایمال شده اند. در اجتماعی که ستمکاری در خانواده آغاز می شود و در جامعه شدت پیدا می کند انسانهایی سخت دل پرورش می یابند. در اجتماعی که کشتن دشمن، قهرمان ساز است، تخم تبهکاری در آن کاشته می شود. در اجتماعی، که در رسانه های همگانی نشان می دهند، دشواری هایی که از وجود انسانی برمی خیزند با گرفتن جان او آن دشواری ها برکنار می شوند، بینش انسان در آن اجتماع آلوده و معیارهای سرشت انسان سرکوب می شوند.

دو کس که خوی انسانی در آنها مرده بوده است با سنگدلی جان کودکانی را گرفته اند. نه تنها کردار

این کسان زشت و شرم آور است بلکه برای همه ی بشریت جبران ناپذیر می باشد. کودکان مانند شکوفه های بستان مردم هستند که باید با رشد خود میوه های شیرین اجتماع را برآورند. از آن روی گرفتن جان کسی شرم آور است که با هیچ نیرویی نمی توان جان رفته را باز آفرید. زشت ترین کردار انسان آنست که او جان کسی را از پیکرش جدا کند. در جانداران، جان، پدیده ای است که هیچ کس نباید و اجازه ندارد بر داشتن یا نداشتن آن دآوری کند. چون جان از جانداران پیشین آفریده می شود و این رشته ی پیوند زیستن هر جاندار است. این دو کس که از بی فرهنگی جان را از پیکر کودکانی جدا ساخته اند ادامه ی رشته ی پیوند آنها را با آینده پاره کرده اند. انسان از ناتوانی خود در برابر چنین تبهکارانی خشمگین می شود چون کشتن انسان تجاوز به انسانیت است. هیچگاه و با هیچ نیرویی نمی توان این کردار زشت تبهکارانی تنها خشم مردم و نیز ناتوانی و بی فرهنگی اجتماع را نشان می دهد. کسی که کشتن این تبهکاران را خواهان است به ارزش جان آن کودکان و زشتی این تبهکاری پی نبرده است. چون این کسان جان گوهردانه های

اجتماع ما را گرفته اند با کشتن آنها کودکان ما جایگزین نمی شوند ولی با کشتن این جنایتکاران زشتی کردار پلید آنها، یعنی کشتن انسان، پوشیده می ماند. چون اگر اجتماعی "کشتن انسان" را کرداری زشت بداند او به کشتن انسانی رای نمی دهد.

اگر نادانی خانمان کسی را به آتش بکشد هیچ خردمندی سوختن خانمان آن نادان را سزاوار نمی داند. چون در ارزش های اجتماعی ما، به آتش کشیدن خانمان کسی، کردار است ناپسند که انسان خردمند آن را نکوهش می کند. هیچگاه دادگاهی به دزدیدن دارایی دزدی رای نمی دهد چون اجتماع کردار دزدی را زشت می داند، این زشت کاری نباید از انسانی سربزند، برای پیشگیری از کردار " دزدی" نمی توان دزدیدن از دزدان را قانونی کرد. جانستانی یا مجازات اعدام خشمی است که برخی دانسته یا ناخودآگاه بر جانستانی فرود می آورند و این نشان بیزاری آنها از جنایت نیست چون دادگاهی که فرمان جانستانی را از انسانی صادر می کند نیاز به کسی دارد که پیشه ی جانستانی داشته باشد. در چنین اجتماعی کشتن انسان زشت شمرده نمی شود بلکه کشتن غیرقانونی را گناه می شمارند و سزایش را کشتن می دانند. چنین مردمی فریب خوردگان قانون هستند

زیرا آنها از کشتن انسانی ننگ ندارند تنها از جانستانی که قانونی نباشد خشمگین می شوند ولی شرمنده نیستند.

در برخی از استان های آمریکا، که دادگاه آنها می تواند برای یک جانی حکم اعدام صادر کند، کمتر از استان های دیگر آمریکا تبهکار و جنایتکار به وجود نمی آید ولی در این استان ها کمتر جان انسان ارزشمند است. کشتن کسی که جان انسانی را گرفته است نشان دادگری نیست چون قانون به کرداری فرمان می دهد که در همان قانون جرم شناخته شده است. یک داور که در یک دادگاه فرمان اعدام یک جانی را می دهد او نه از جنایت پیشگیری می کند و نه جان گرفته شده ای را پس می گیرد. در چنین دادگاهی کشتن انسان به سان ابزاری برای حکمرانی به کار برده می شود. مجازات اعدام زشتی را از کردار جنایتکار می گیرد و این کردار ننگین را، به عنوان پدیده ای که برآورد همزیستی در اجتماع است، می پذیرد.

بیزاری ما از جانستانی است نه پشتیبانی از کردار تبهکاران. ما از مجازات جانی هایی که به ننگین ترین کردار دست برده اند سخن نمی گوئیم بلکه ما برآنیم که





زشتی کردار نامردمی آنها را برای همگان آشکار سازیم. مردمی که، جان انسان را گرامی می‌دارند، آنها از جانستایی بیزارند آنها هرگز جنایتکاری را به خود راه نمی‌دهند. در دادگاه چنین مردمی، که از فرهنگ انسانی برخوردارند، داور و قانونی وجود ندارد که به کشتن کسی رای بدهد. اگر در میان این مردم کسی به کشتن انسانی دست ببرد این کردار برای آنها یک تراژدی است چون از سوئی آنها جان انسان را گرامی می‌شمارند و از سوئی یک جانستان را شایسته‌ی همزیستی در اجتماع نمی‌دانند. اینکه چگونه باید تبهاران را از مردمان نیک

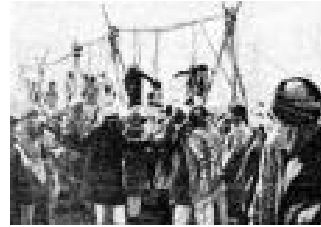
سرشت دور نگه داشت، این کار، به بینش و راستکاری یا کژ پنداری جامعه بستگی دارد ولی معیار مردم نیک سرشت بر اساس پیوندهای انساندوستی نه مردم ستیزی است.

انسان خدایی است که پیوسته همسان خودش را می‌آفریند و هیچ کس یا هیچ قانونی اجازه ندارد که به جان آفریننده‌ی انسان آزار برساند. همه‌ی مردمان پدیده‌ی انسان را ساختار هستند این است که آزرده آفریننده‌ی او آزرده همی انسانهاست.

ما از آن روی بیزاری خود را با مجازات اعدام نشان می‌دهیم که

زشتی جانستایی را در اجتماع آشکار کنیم.

ما برآنیم که زشتی کردار کسانی را نمایان سازیم که از سرشت انسانی بویی نبرده‌اند و حتا با سنگدلی جان کودکانی را آزار داده‌اند. کودکانی که سازندگان آینده در پیوند با همه‌ی مردمان هستند. بدیهی است که اجتماع این جانیان را شایسته‌ی همزیستی نمی‌داند و اجتماعی که جانستایی را زشت و ننگین می‌شمارد نمی‌تواند همان کردار زشت و ننگین را در قانون خود جای دهد. اگر در فرهنگی جانستایی



من از همه اونهایی که برای نجات ما کار میکنند، تشکر میکنم. این کارها نور امیدی در دل همه ما است. پشت این دیوارهای بلند، کمی امیدوارتر میشیم .

نازنین افشین جم : پیام تو برای مردم دنیا چیه؟

نازنین مه‌آباد : پیام من برای مردم دنیا اینه که جایی که من هستم، بیرونش هم یک زندانه. ولی اینو هم دوست دارم بگم که اینجا تنها نازنین سیاه بخت نیست که زندانی است. در اینجا مادرهایی هستند که از غم فراغ و دوری بچه هایشان، دلگیر و غمگین هستند. نه تنها به من ، بلکه به نازنین و نازنین های دیگر کمک کنید ، کمک کنید به زندگی برگردیم .

نازنین افشین جم : دلت برای چی بیشتر تنگ شده؟

نازنین مه‌آباد : من دلتنگم. دلتنگم برای اینکه زندگی پشت این دیوار هم ملال آور بود. دلتنگم برای اینکه دلم، شادی و خوشی میخواد و نمیدونم چه جور اینو به دست بیارم. کجا برم؟

نازنین افشین جم : از چه موزیکی خوشت میاد؟

نازنین مه‌آباد : من اون موقع که خانه خودمان بودم، امکان آشنا شدن با موزیک در خارج کشور

است .

نازنین افشین جم : چه چیزهای لازم داری، ما برای تو بفرستیم .

نازنین مه‌آباد : خیلی چیزها لازم دارم اما همه چیز را اجازه نداریم تحویل بگیریم. اما من دلم میخواد برم خانه. میخوام برم خانه خودمان، هیچ جا مثل خانه آدم نیست. من نمیتونم اینجا را تحمل کنم. بخصوص اینجا را با این دیوارهای بلند. من از این دیوارها میترسم، من از این جا خسته شدم....

ولی برای وسایل و این چیزها باید بگم اینجا مقرراتی دارند که آدم هر چی دلش بخواهد نمیتونه در دسترسش باشه. من خیلی چیزها لازم دارم ولی نمیتونم اونها را بگیرم....

نازنین افشین جم : نازنین جان میلیونها نفر در دنیا الان اسم تو را شنیده اند، و برای نجات تو فعالیت میکنند، احساس تو در مورد این خبر چیه؟

نازنین مه‌آباد : از همه اونهایی که اسم منو شنیده اند و یا با سرنوشت من آشنا شده اند میخوام کمک کنند، هر طور میتونند به من کمک کنند. چون اینجا خیلی سخته، برای من این زندگی خیلی سخته، اینجا تنها هستم و میترسم. آنهم من که از جوانیم هیچ خوشی ندیدم. اعصابم بهم ریخته. تحمل این وضع دیگه برایم سخته. کمک کنید روز را بیرون اینجا ببینم، دلم برای بیرون تنگ شده...

اکنون میتوانم اسم آنها را بیاورم.

مینا احدی

فرد رابط: نازنین جان این سوالها را خانم مینا احدی رئیس کمیته بین المللی علیه اعدام فرستاده است او کمپینی را در دنیا برای نجات تو آغاز کرده و سروصدای زیادی کرده است. گفته است که این سوالات یک نازنین دیگر است که ، ملکه زیبایی کانادا میباشد و دنبال پرونده تو است او هم در دنیا برای نجات تو فعالیت میکند .خانم مینا احدی از من خواهش کرده این سوالات را با تو در میان بگذارم و جوابهایش را به او برسانم. خواهش میکنم اگر مایل هستی به این سوالها جواب بده .

نازنین فاتحی : باشه هر چه بتونم جواب میدم.

نازنین افشین جم: وضع پرونده ات در چه حالی است؟

نازنین فاتحی: تا امروز درست نمیدانم بالاخره پرونده من کجاست. ولی اخیرا شنیدم فرستاده اند تهران برای تصمیم گیری نهایی .

نازنین افشین جم: صبح تا شب آنجا چه کار میکنی. منظور اینه که روزها را چطور میگذرانی؟

نازنین فاتحی: کار خاصی انجام نمیدم. اینجا ما هیچ کاری نداریم. اما هر پنج روز یکبار فیلم سینمایی نشان میدهند و یا آهنگهای مجاز (از نظر حکومت اسلامی) برایمان پخش میکنند این تنها تفریح ما

از صفحه ۱

گفتگوی دو نازنین

(مه‌آباد فاتحی) در زندان رجایی شهر است.

زندان رجایی شهر کرج، زندانی که برای زندانیان یک تبعیدگاه و یک نام مخوف است، اکنون جایی است که نازنین در آنجا زندانی است.

نازنین یا مه‌آباد فاتحی در پشت دیوارهای بلند زندان، به امید صدایی و نوری نشسته است. ولی در خارج از زندان قلب های بسیاری برای او می تپد و یکی همین نازنین افشین جم است که خواننده و بازیگر و ملکه زیبایی کانادا در سال 2003 بوده است. فعالیت‌های جهانی نازنین افشین جم و کمیته علیه اعدام و میلیونها نفر معترض به اعدام در دنیا، این نور امید است .

از آنجا که وصل شدن من و نازنین افشین جم به ابتکار سازمان جوانان کمونیست صورت گرفت مایلم متن فارسی این گفتگوی زیبا ابتدا در نشریه جوانان کمونیست منتشر شود. همزمان آنرا برای نازنین افشین جم میفرستم تا ترجمه کند و متن انگلیسی آنرا منتشر کند.

یک توضیح هم بدهم که انجام این مصاحبه به کمک انسانهای شریف دیگری ممکن شد که مطمئن نیستم





گفتگوبا مینا احدی آخرین خبرهای مربوط به نازنین

تماسها و ارتباطات عمدتا از طریق فعالین کمیته علیه اعدام به پیش برده میشود و نازنین در سطح رسانه های بین المللی مصاحبه های متعددی را انجام داده است.

برنامه های مهم آتی ما حضور در پارلمان کانادا در روزهای ۵ و ۶ ژوئن و همین طور ملاقات با کوفی عنان و یا هیئتی از سازمان ملل در روزهای اول ژوئن است. ما در عین حال یک برنامه جان

مینا احدی: کمپین نجات نازنین یکی از مهمترین و گسترده ترین و موثرترین کمپین هایی است که تا کنون انجام شده است. در این کمپین که از طرف نازنین افشین جم و ما (کمیته بین المللی علیه اعدام) به پیش برده میشود، تا کنون ۱۴۰ هزار نفر طومار اعتراض به حکم اعدام نازنین را امضا کرده اند. خبر اعدامها در ایران اکنون وسیعا پیش میرود. این در عین حال یک کمپین حساس است. من و نازنین روزانه چندین ساعت روی این کمپین کار میکنیم.

است و در مجموع وضع نازنین خطرناک است. یک مصاحبه اخیرا انجام داده، یعنی اینکه به سوالات نازنین افشین جم که از طریق من به دست او رسیده جواب داده و میتونید با حوندن او بفهمید وضعیتش چطوره.

س: بله آن مصاحبه را هم همین شماره چاپ میکنیم و نشریه ما اولین جایی است که این مصاحبه جالب را چاپ میکند. اما سوال بعدی، کمپین نجات نازنین دارد خیلی وسیع میشود، از این کمپین و اقدامات آتی چه خبر؟

س: کمپینی که شما و نازنین افشین جم برای نجات جان نازنین مهاباد در ایران پیش میبرید مورد توجه خیلی ها و بویژه خوانندگان ما است. بگذارید از اینجا شروع کنیم آخرین خبرهای مربوط نازنین در زندان چه هست؟

مینا احدی: نازنین در زندان رجایی شهر است و روزهای سخت و پر از اضطرابی را پشت سر میگذارد. هنوز معلوم نیست که پرونده در چه وضعیتی است. هفته گذشته گفته شد که پرونده برای بررسی نهایی به تهران ارسال شده

کریم شاه محمدی - مسیول
تشکل کودکان مقدمند

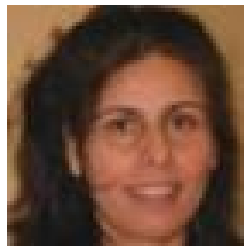


ایا رتی - از زنان سوسیال
دموکرات کمون Tyresö
عبدلقادر حبیب - نماینده از
مسجد استکهلم

برگزار کننده: کمپین دفاع از
حقوق زنان در ایران - استکهلم
مهمین علیپور 070 77 77 313

با همکاری ABF استکهلم
استانداری

سخنرانان و شرکت کنندگان
مهمین علیپور - سخنگوی کمپین
دفاع از حقوق زنان در ایران واحد
استکهلم



نیامکو صابونی - نماینده مجلس از
حزب مردم
آرچه حامدناک - مسیول Sharaf
hjaltrar
هدیه گوزال - متخصص علوم
سیاسی واز تجارب زندگی خود از
کودکی تا کنون بعنوان یک دختر
خارجی در منطقه خارجی
نشین Fittja صحبت میکند

در سوئد صحبت از وضع قوانینی
میشود که کمونها را وادار به کمک
به قربانیان خشونت ناموسی
بنماید. بیشتر این قربانیان دختران
جوان میباشند. گفته میشود کمک به
این افراد باید جزئی از سیاست
رفاه اجتماعی شود. عمق این مشکل
تا چه حد است؟

راه حل ریشه ای چیست؟

نقش مدارس مذهبی و بالخص
مدارس اسلامی و تربیت جداگانه
کودکان پسر و دختر به رشد و
شیوع فرهنگ مرد سالار کمک
نمیکند؟ آیا وجود این مراکز عامل
مهمی در جداسازی و عدم اینتگره
شدن این جوانان نیست؟

نقش دولت در مبارزه با این نوع
خشونت تا کنون چگونه بوده است

برای شرکت فعال در این

مباحث، با ما باشید!
پنجشنبه 8 یونی 2006
21.00-Tid: 16.30



یا موزیک در لس آنجلس را
نداشتم. ولی اینجا از همون
موزیکهای مجاز که پخش میشد،
از شادمهر و سعید ... و علی
تفرشی خوشم میاد.

نازنین افشین جم: شنیدید که
نازنین بیرون زندان یک آهنگ
خونده و به تو تقدیم کرده؟

نازنین مهاباد: این آهنگ را هنوز
نشنیدم، ولی آرزو دارم که یک
روز بیرون بیام و بتونم این آهنگ
را بشنوم. این یکی از آرزوهای
مهم منه.

نازنین افشین جم: از کدام
تفریحات خوشت میاد؟

نازنین مهاباد: از سوارکاری و
شنا.

نازنین افشین جم: چه آرزوهای
داری؟

نازنین مهاباد: آرزو دارم روزی
از این خراب شده بیرون برم.
آرزو دارم روزی را ببینم که دیگه
زندانی نباشه. دیگه هیچ زندانی
برای زنان نباشه. دلم میخواد زنده
بمونم.

مرگ بر جمهوری اسلامی

طرف خانواده فاطمه و دخترش زهرا به همه کسانی که کمک کردند فاطمه از چوبه دار فاصله بگیرد، تبریک میگویم.



سرپرستی پنج بچه را دارد و میتوان به عینه دید این خانواده در چه شرایط سختی هستند.

س: فعالیت های شما و نازنین افشار جم چقدر در بین خانواده نازنین و دور بری ها و چقدر در ایران مطرح شده است؟

س: آیا نازنین الان وکیل دارد؟
مینا احدی: وکیل او تسخیری بود. اما اکنون دو وکیل برای او گرفته شده است.

س: خبر لغو حکم اعدام فاطمه حقیقت پژوه را هم شنیدیم از این کیس چه خبر؟

مینا احدی: این یک خبر خوب امروز بود. فاطمه که قبلاً حکمش تأیید شده و برای اجرای احکام ارسال شده بود، با اعتراضات جهانی نجات یافت. و رژیم مجبور شد عقب نشینی کند اکنون حکم بررسی مجدد میشود. من از

میشوند، حضور داشته باشد؟

س: خب پس برگردیم به نازنین مهآباد، نازنین زندانی، شما با خانواده نازنین آشنا هستید، اخیراً هم ترتیب مصاحبه ای با مادر نازنین را دادید، آخرین خبرها؟

مینا احدی: نازنین از یک خانواده فقیر است. مادر او در یک مصاحبه با سوسن صابری از فعالین کمیته علیه اعدام، در جزئیات گفت که در چه شرایط سختی زندگی میکند و چگونه با فقر و نداری دست و پنجه نرم میکند و چگونه از مردم میخواست زندگی فرزند او را نجات دهند. این مصاحبه روی سایت روزنه هست. به خوانندگان توصیه میکنم حتما گوش کنند.

پدر نازنین کارگر بوده و اکنون بدلیل بیماری قادر به کار کردن نیست و مادرش که در خانه ها کار میکرده و خدمتکار بوده اکنون

فاندیرزینگ در نظر داریم و مجموعه اقدامات دیگر که نجات جان نازنین را امکان پذیر کند.

س: نازنین افشین جم نامه ای از طرف خودش و شما به کوفی عنان نوشت. سرنوشت این نامه چطور شد؟ آیا کوفی عنان پاسخ مثبت داده است؟

س: حضورتان در پارلمان کانادا هم جالب است. این چطور فراهم شد؟ اهمیت آن فکر میکنید چه باشد؟

س: بگذارید همینجا یک ایده را مطرح کنیم. آیا امکان دارد در این ملاقات ها نماینده ای هم از سازمان جوانان کمونیست بعنوان سخنگوی اعتراض جوانان ایران به کل اعدام ها و وضعیت همه نازنین های که در زندان دارند نابود میشوند،

این دختر که پریسا نام دارد در مورد شکایت خود گفت: چند ماه قبل با پسر ۱۷ ساله ای به نام محسن آشنا شدم، او يك سال از من کوچکتر بود اما علاقه زیادی به من داشت. يك روز محسن از من خواستگاری کرد، او با صحبتهای مرا فریب داد. يك روز که به خانه محسن رفته بودم او به زور به من تجاوز کرد و پس از آن منکر حرفهایش در مورد ازدواج شد.

با شکایت پریسا پرونده ای در این رابطه تشکیل شد و ماموران محسن را دستگیر کردند. با توجه به سن محسن، رسیدگی به پرونده او در دادگاه اطفال آغاز شد و بازپرس پرونده برای متهم به اتهام تجاوز به عنف قرار مجرمیت صادر کرد.

با توجه به اینکه مجازات تجاوز به عنف اشد مجازات است دیوان عالی کشور رسیدگی به این پرونده را در صلاحیت دادگاه کیفری استان تهران تشخیص داد و پرونده برای محاکمه متهم به شعبه ۷۷ دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد تا به زودی به این پرونده رسیدگی شود.

در توالی منزل نگهداری کرده بود
**به زودی در دادگاه کیفری
برگزار خواهد شد
محاکمه پسر ۱۷ ساله به اتهام
تجاوز به عنف**



پرونده نوجوان ۱۷ ساله ای که متهم به تجاوز به عنف به دختر ۱۸ ساله ای است برای رسیدگی به دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد.

به گزارش فارس پیش از این برای پسر نوجوان به نام محسن به اتهام تجاوز به عنف از سوی بازپرس مجتمع اطفال تهران قرار مجرمیت صادر شده بود.

چندی پیش دختر ۱۸ ساله ای با مراجعه به اداره آگاهی تهران از پسر نوجوانی به اتهام تجاوز به عنف شکایت کرد.

"فرانسوا میتران" رییس جمهوری اسبق فرانسه در سال ۱۹۸۲ میلادی، بهرغم مخالفت مردم فرانسه، مجلس ملی این کشور را که در آن زمان در دست سوسیالیست ها بود به لغو حکم اعدام تشویق و این مجلس نیز بر آن صحنه گذاشت. حدود سه هفته پیش، دو کودک خردسال در فرانسه (دختر بچه ۵ساله و پسر بچه ۴ساله) ربوده شدند که پس از اذیت و آزار و تعدی، به قتل رسیدند.

جنازه پسر بچه بعد چند روز در رودخانه و جسد دختر بچه در منزل قاتل پیدا شد. پلیس فرانسه فرد متهم به قتل این پسر بچه را که جوان ۳۰ساله ای است، شناسایی اما وی هنگام دستگیری دست به خودکشی زد که هم اکنون در بیمارستان بستری است و پلیس موفق شده است از چند روز پیش بازجویی های اولیه از وی را آغاز کنند.

گفته می شود فرد متهم به قتل دختر بچه نیز مرد ۵۶ساله و از آشنایان مادر این کودک خردسال است. وی نیمه های شب اقدام این دختر بچه را از خانه اش ربود و بعد از اذیت و آزار، او را به قتل رساند و جنازه این طفل را در

آخرین اخبار

بایک شدیدی

نژاد پرستان فرانسوی بهانه مناسبی برای برقراری مجازات اعدام به دست آورده اند و خبر درخواست احیای اعدام توسط آن ها چشم خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی را گرفته است.

این درخواست ۲۰۰ تن از طرفداران اعضای جبهه ملی فرانسه، روز شنبه با برگزاری تظاهراتی در برابر مجلس ملی این کشور در پاریس، خواستار احیای حکم مجازات اعدام در این کشور شدند. تظاهرکنندگان، قتل دو کودک خردسال دختر و پسر که بتازگی در فرانسه به قتل رسیده اند را محکوم کرده و از پارلمان فرانسه خواستند تا مجازات اعدام در خصوص این گونه جرایم کیفری را مجدداً به اجرا درآورد. "ژان ماری لوپن" رهبر جبهه ملی فرانسه نیز در جمع تظاهرکنندگان طی سخنانی گفت: حکم اعدام باید برای قاتلین این کودکان دوباره احیا



ترجمه: آرش سرخ

ونکوور، ۱۶ می ۲۰۰۶
نامه ی فوری

درخواست دخالت سازمان ملل متحد
در مورد جمهوری اسلامی ایران
برای آزادی نازنین فاتیما از اعدام

به: عالیجناب آقای کوفی عنان
دبیر کل سازمان ملل متحد
نیویورک

آقای عنان عزیز،

این نامه را از طرف خودم - نازنین
افشین جم -، مینا احدی (صدر
کمیسیون بین المللی علیه اعدام)
(منظور کمیته بین المللی علیه اعدام)

گزارش سالانه عفو بین الملل

درباره ایران

عفو بین الملل، یک سازمان مدافع
حقوق بشر که مقر آن در لندن
است گزارش سالانه خود درباره
وضعیت حقوق بشر در ایران در
سال 2005 را انتشار داده است
که متن کامل آن را در زیر می
خوانید.
جمهوری اسلامی ایران
رهبر کشور: رهبر جمهوری
اسلامی ایران: آیت الله سید علی
خامنه ای
رئیس دولت: دکتر محمود احمدی
نژاد (در ماه اوت جانشین حجت
الاسلام و المسلمین سید محمود
خاتمی شد) مجازات اعدام: اعمال
می شود
دادگاه بین المللی جنایی: ملحق
شده است
کنوانسیون زنان سازمان ملل
متحد و پروتکل اختیاری آن:
امضاء نکرده است

نامه ی مشترک نازنین افشین جم
و مینا احدی به کوفی عنان

مستول است که مجازات اعدام را بر
افراد زیر ۱۸ سال اعمال نکند.
آقای دبیر کارنامه ی حقوق بشر جمهوری
اسلامی کارنامه ی نگران کننده است.
برای مثال سازمان عفو بین الملل ۱۸
مورد اعدام کودکان را از سال ۱۹۹۰ در
ایران به ثبت رسانده است. تنها در سال
۲۰۰۵ حداقل اعدام ۸ کودک به ثبت
رسیده است.

کمیته بین المللی علیه اعدام مستول آزاد
سازی زنان بسیاری از اعدام در ایران بوده
است. تجربه نشان می دهد که با فشار و
نامعهای بین المللی کافی از سوی
سازمان ملل این مجازات متوقف
خواهند شد. یک مورد این قضیه
پرونده ی مشهور افسانه ی نوروزی است
که در ۲۰۰۳ مورد عفو واقع شد.
ما شاید معتقدیم که نازنین این عمل
شبیخ را برای دفاع از خود انجام داده
است. به عنوان کسی که مخالف
مجازات اعدام در همه ی انواع آن است،

مراتب بیشتر از مواردی باشد که
گزارش شده است
مجازات مرگ
در سال ۲۰۰۵، دست کم ۹۴ نفر -
از جمله حد اقل ۸ نفر که هنگام
ارتکاب جرم کمتر از ۱۸ سال
داشتند اعدام شدند. شمار زیادی هم
محکوم به مرگ شدند از جمله
دست کم ۱۱ نفر که زمان ارتکاب
جرم کمتر از ۱۸ سال داشتند. رقم
واقعی ممکن است که به مراتب
بیشتر باشد. مجازات مرگ همچنان
برای جرایمی که با کلمات مبهم
توضیح داده می شد مانند "فساد در
زمین" ادامه داشت.
*در ماه اکتبر، یک زن طبق
گزارشات محکوم به مرگ
باسنگسار گردید اگرچه در سال
۲۰۰۲ صدور حکم سنگسار موقتا
متوقف شده بود.
در ژانویه کمیسیون حقوق کودکان
سازمان ملل متحد، ایران را ترغیب
کرد که بلافاصله اعدام جوانانی که
هنگام ارتکاب جرم کمتر از ۱۸
سال داشتند را به حال تعلیق

است-م) و ۱۳۰ هزار نفر از سراسر دنیا
که تومار "نازنین را نجات دهید" را
امضا کرده اند خدمتتان می نویسم.
نازنین در مارس ۲۰۰۵ به جرم
مضروب کردن یکی از سه فردی که
قصد تجاوز به او و خواهرزاده ی ۱۶
ساله اش در پارکی در کرج (از ایران)
داشتند دستگیر شد. او شهادت داده
است که برای دفاع از خود و جلوگیری از
مورد تجاوز واقع شدن عمل کرده است.
با این حال او به حداکثر مجازات ممکن
در قانون یعنی اعدام با طناب دار
محکوم شده است.

نازنین به هنگام آن عمل ۱۷ ساله بوده
است. دولت ایران عضو "پیمان
بین المللی حقوق مدنی و سیاسی" و
"پیمان حقوق کودک" است و از این رو

در سال های گذشته شمار قابل
توجهی از زندانیان سیاسی، از
جمله زندانیان عقیدتی، همچنان
حبس های طویل المدت را در
زندان می گذرانند. در سال
۲۰۰۵، صدها نفر دیگر و بیشتر
در ارتباط با نا آرامی های مدنی
در مناطقی که جمعیت اقلیت ها
زیاد است دستگیر شدند.
نویسندگان سایت های اینترنتی و
فعالان حقوق بشر از جمله کسانی
بودند که به طور خود سرانه و
بدون این که دسترسی به فامیل یا
وکیل داشته باشند دستگیر شده
و غالباً در بدو امر در بازداشتگاه
های مخفی نگاهداری می شدند.
اعمال شکنجه همچنان رایج بود.
دست کم ۹۴ نفر اعدام شدند از
جمله دست کم ۸ نفر که در حین
ارتکاب جرم انتسابی کمتر از ۱۸
سال داشتند. مجازات شلاق در
موارد متعدد به اجرا درآمد.
تصور می شود شمار واقعی
کسانی که اعدام شده یا تنبیهات
بدنی در مورد آنان اعمال شده به

ما به نام انسانیت از شما در خواست
می کنیم که با دولت ایران از طرف خانم
نازنین مهیاباد فاتیما وارد میانجیگری
شوید.

آیا ممکن است با شما یا یکی از
نماینندگانتان دیدار کنیم و ضمن تحویل
تومار با بیش از ۱۳۰ هزار امضا
نامه ای به مقامات ایران برای توقف
مجازات نازنین بفرستیم؟ رسانه ها و
منجمله سی.ان.ان، علاقه مند به
پوشش این دیدار خواهند بود. با یا بدون
کنفرانس خبری رسمی. با این حال اگر
شما ترجیح می دهید به طور خصوصی
انجام شود ما در خدمت خواهیم بود.

من از تعهد عمیق جنابعالی به حقوق
بشر در سراسر جهان باخبر هستم و
حقیقتاً امیدوارم این پرونده توجه شما را
جلب کند تا در صورت امکان این زن
بختبرگشته را از مجازاتی غیر معمولی
و ظالمانه نجات دهیم.

با تشکر،

نازنین افشین جم (ملکه زیبایی سال
کانادا و نایب ملکه زیبایی جهان در
۲۰۰۳)
www.nazanin.ca

مینا احدی،

صدر کمیته بین المللی علیه اعدام
www.minaahadi.com

در آورد. با وجود اینکه ایران گفته
بود که مجازات مرگ برای
مجرمین زیر ۱۸ سال را موقتا
متوقف می کند ایمان فرخی در
همان روزی که کمیسیون به
گزارش ایران رسیدگی می کرد
اعدام شد. هنگامی که گفته می شد
او یک سرباز را در درگیری
کشته، تنها ۱۷ سال داشت.
در پی اعتراضات داخلی و بین
المللی، مجازات برخی از زنان و
مردانی که هنگام ارتکاب جرمی
که به آنها نسبت داده شده بود کمتر
از ۱۸ سال داشتند لغو شد یا به
حال تعلیق درآمد.

